

نگرش و مشارکت جامعه میزبان در برنامه ریزی گردشگری: گذرنامه توسعه گردشگری پایدار؛

نمونه مورد مطالعه: روستای اخلمد، استان خراسان رضوی

دکتر فریدجواهرزاده-عضو هیات علمی و مدیر گروه جهانگردی -دانشگاه بینالود

سیامک سیفی -دانشجوی دکتری برنامه ریزی گردشگری پایدار -دانشگاه مونت پلیه 3 فرانسه

چکیده:

نگرش و ادراک جامعه میزبان نسبت به اثرات گردشگری و میزان مشارکت آنها در برنامه ریزی و مدیریت گردشگری در مقصد، یکی از عوامل مهمی است که در توسعه گردشگری پایدار در آن منطقه تاثیر گذار است. روستای اخلمد در ایران یک منطقه توریستی شناخته شده است که به علت جاذبه های طبیعی و زیست محیطی خود، هر ساله شمار عظیمی از گردشگران را به خود جذب می کند. هدف از این مطالعه بررسی نگرش ساکنین روستای اخلمد نسبت به اثرات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی گردشگری، و همچنین میزان مشارکت آنها در برنامه ریزی و مدیریت گردشگری است. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش و ابزار بکار رفته پرسشنامه بوده است. نتایج نشان می دهد ساکنین اخلمد ادراک منفی نسبت به اثرات مختلف گردشگری در منطقه خود دارند و حامی توسعه گردشگری در منطقه خود نیستند. همچنین تاثیر عواملی همچون میزان سهم در تصمیم گیری، تعلق به اخلمد، تحصیلات و فاصله تا محل تمرکز گردشگران، بر ادراک ساکنین نسبت به اثرات گردشگری تایید شد.

کلیدواژه ها: اثرات گردشگری، نگرش، ادراک، برنامه ریزی، جامعه میزبان، اخلمد

مقدمه:

در حوزه گردشگری، نگرش و ادراک ساکنان محلی نسبت به توسعه گردشگری مورد توجه روز افزون محققین این حوزه قرار گرفته است (لی و همکاران: 2010). از این رو در چند دهه اخیر مطالعات زیادی در این مورد صورت گرفته است که بر اهمیت جایگاه این موضوع در مطالعات گردشگری دلالت دارد. بررسی نگرش ساکنین نسبت به اثرات و برنامه های توسعه گردشگری در تمامی مراحل برنامه ریزی و توسعه پروژه های گردشگری حیاتی و از اهمیت بالایی برخوردار است. لی و همکاران (2010) بر این عقیده اند که اگر مردم محلی از توسعه گردشگری در منطقه خود رضایت خاطر داشته باشند، آنها به احتمال زیاد از برنامه های توسعه گردشگری حمایت لازم را به عمل خواهند آورد. با نگاهی اجمالی به ادبیات توسعه پایدار و تاریخچه آن می توان دریافت که رویکرد توسعه پایدار نه تنها نیازهای بازار مورد توجه است، بلکه نیازهای جامعه نیز مورد توجه و تاکید قرار دارد. به زعم جوهری و همکاران (2011) نگرش ساکنین محلی دارای رابطه مستقیم با توسعه گردشگری پایدار در یک منطقه است. بنابراین بررسی و سنجش این ادراک و نگرش، نقش حیاتی در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری در آینده را ایفا می کند. زیرا در رویکرد گردشگری پایدار به عنوان شکلی از گردشگری جایگزین، کیفیت زندگی ساکنین محلی همواره در

اولویت قرار دارد لذا توسعه هر نوع گردشگری به صورت چشمگیری به حسن نیت مردم میزبان بستگی دارد و حمایت آنها در توسعه، عملکرد و کارایی موفق آمیز گردشگری، امری ضروری محسوب می شود (گرسی و همکاران، 2010)

لپ (2007) معتقد است که نگرش و ادراک ساکنین محلی از اثرات توسعه گردشگری، معیاری مهم و معتبر در کارایی گردشگری است. علاوه بر این وارگاس سانچز و همکاران (2010) بر این باورند که درک حمایت ساکنین از برنامه ها و پروژه های توسعه گردشگری در مقصد، عاملی حیاتی در به حداقل رساندن اثرات منفی گردشگری و به علاوه به حداکثر رساندن حمایت ساکنین از این برنامه هاست. همچنین، نونکو و رامکیسون (2011) معتقدند که در تمامی مراحل سیاست گذاری و برنامه ها توسعه گردشگری در یک منطقه، می بایست از نگرش مثبت ساکنین نسبت به این برنامه ها اطمینان حاصل نمود و آنها را به صورت فعالانه در این برنامه ها دخیل نمود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که توسعه گردشگری پایدار در یک منطقه مستلزم حمایت فعالانه و مشارکت جمعی ساکنین است و برنامه ریزی در راستای گردشگری پایدار در منطقه، باید بر اساس اهداف و اولویت های ساکنین باشد و از طرف دیگر به عقیده کوک (1980) سطح فعالیت های محلی تنها با کسب اجازه قانونی از ساکنین می بایست ارتقا یابد.

اگرچه مطالعات در این حوزه همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و در طول چند دهه اخیر اهمیت روزافزونی یافته است، اما بیشتر این پژوهش ها در کشورهای پیشرفته صورت گرفته و به جز تعدادی محدود از دیدگاه کشورهای در حال توسعه پرداخته شده است. از این گذشته مطالعات اندکی در ایران به بررسی نگرش و ادراک ساکنین از توسعه گردشگری پرداخته شده است و تاکنون هیچ پژوهشی از این نوع در اخلمد صورت نگرفته است، لذا پژوهش حاضر دارای اهداف زیر می باشد:

-بررسی و سنجش ادراک ساکنین اخلمد نسبت به اثرات توسعه گردشگری در منطقه

-بررسی سطح مشارکت ساکنین محلی در اخلمد در تصمیم گیری های مربوط به برنامه های توسعه گردشگری و همچنین بررسی حمایت آنها از این برنامه ها

-ارایه راهکارهایی برای برنامه های آتی توسعه و برنامه ریزی گردشگری

مبانی نظری تحقیق

در چند دهه گذشته، نگرش جوامع میزبان نسبت به اثرات توسعه گردشگری، توجه تعداد زیادی از محققین را به خود جلب کرده است (اوم و کرامپتون 1987، آیرس و پاتر، 1989، کرچا 1998، استرلینگ 2004، آندریتیس و وگان 2003، لپ 2007، لی 2012) و روشهای متعددی به عنوان چارچوب نظری و فکری برای درک نگرش ساکنین در طول این چند دهه توسعه یافته اند. تئوری مبادله اجتماعی، چرخه حیات گردشگری، شاخص رنجش داکسی و روش تفکیکی از آن جمله هستند. تئوری مبادله اجتماعی یک چارچوب زیربنایی برای همه روشها و رویکردها به شمار می رود که مبتنی بر ارزیابی جامعه میزبان از

هزینه ها و منافع مورد انتظار از گردشگری می باشد. در واقع این که ساکنین محلی مجموعه هزینه ها و منافع حاصل از گردشگری را چگونه ارزیابی می کنند، بر نحوه نگرش آنها تأثیر گذار خواهد بود (هرناندز و دیگران، 1996)

در تئوری چرخه حیات، ارزیابی توسعه گردشگری مقصد در طول زمان مورد توجه است. بدین ترتیب نحوه نگرش جامعه میزبان متأثر از روند تغییرات و توسعه گردشگری قرار می گیرد.

زمانیکه گردشگر در مقصد رو به رشد زیاد است، ظرفیت برد اجتماعی محدود می شود، در نتیجه، آنبرای ساکنان غیر قابل تحمل می شود (هرناندز و دیگران، 1996)

بر مبنای شاخص رنجش داکسی (1975) هر چه در طول زمان تعداد گردشگران افزایش می یابد، خصومت بیشتری در محیط ها نسبت به گردشگران ایجاد می شود. نظریه داکسی بر پایه این فرضیه شکل گرفته است که مقصد های گردشگری در طی دوره ای از زمان توسعه یافته و رشد می کنند. با این حال اشاره مهم نظریه داکسی بر این است که امکان دارد مقصد های گردشگری پتانسیل کافی برای رشد و توسعه بدون نظارت را نداشته باشند. بر اساس این نظریه با افزایش خصومت محلی ها نسبت به بازدیدکنندگان در طول زمان، دیگر تعداد بازدیدکننده گان با همان میزان سابق به رشد خود ادامه نخواهند داد. در حقیقت ممکن است رو به افول حرکت کنند. اگرچه شاخص رنجش داکسی در آن زمان مهم تلقی می شد هنوز هم به عنوان طرحی سودمند در بالابردن فهم ما از تعاملات میان گردشگران و میزبان در نظر گرفته می شود

لنکفورد و هوارد (1993) رویکرد تفکیکی را مطرح می کنند

در این رویکرد، هزینه و منافع بخشهای دیگر و همایم مختلف مورد ارزیابی قرار میگیرد.

بدینتر تیبیکسانیکهدر راستای نیازهای گردشگران فعالیت میکنند نگرش مثبتتر به گردشگری دارند تا آنها یکبار تباطیا گردشگران دارند.

بهطوریکهکسانیکهدر زمینه کسبو کارهای مرتبط با گردشگری فعالیت میکنند، نگرش مثبتتر به گردشگری دارند.

بنابراین بر سیوارز با این نگرش گرایش جامعه همیزبان نسبت به گردشگری امر بیچید هم محسوب میشود

بنابراین همان طور که در بالا بدان پرداخته شد، شناخت و درک نگرش ساکنین محلی، مولفه ای کلیدی در نیل به اهداف توسعه پایدار گردشگری است زیرا که در این رویکرد، موفقیت گردشگری در بلند مدت تا حد قابل ملاحظه ای به نگرش مثبت ساکنین نسبت به آن بستگی دارد. تاکنون مطالعاتی در این حوزه در ایران انجام شده است. قادری و هندرسون (2012) در مطالعه خود راجع به گردشگری روستایی پایدار در روستای اورامان تخت، به این نتیجه رسیدند که مشارکت جامعه محلی در فرآیند تصمیم گیری توسعه گردشگری منفعلانه و محدود است و به ارایه پیشنهادی برای هم افزایی بین متولیان محلی گردشگری و همچنین ساکنین محلی در راستای اهداف توسعه پایدار گردشگری پرداختند

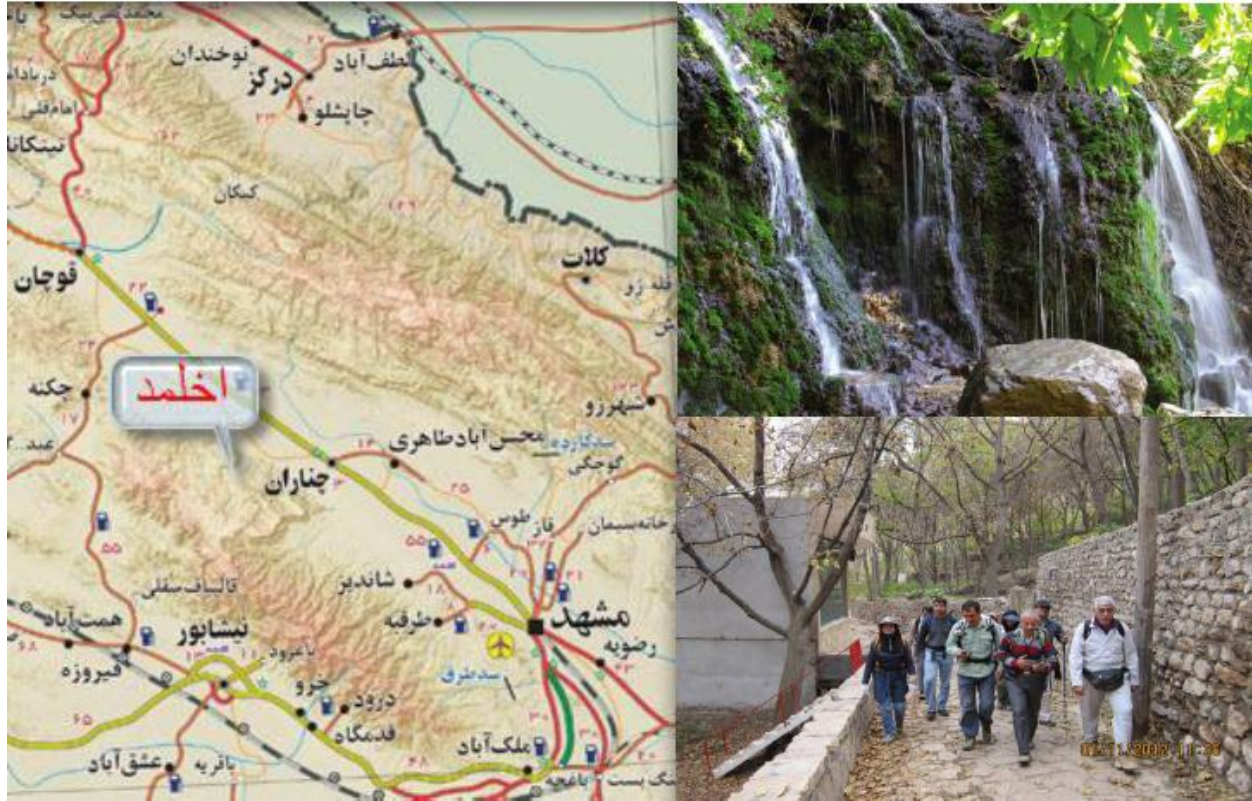
همچنین ، در پژوهشی مشابه در ماسوله در استان گیلان ، زمانی فراهانی و غزالی (2013) دریافتند که علیرغم مشارکت حداقلی مردم محلی در ماسوله در برنامه ریزی و مدیریت گردشگری ، آنها تا حد قابل ملاحظه ای موافق توسعه گردشگری در ماسوله بودند و از اینرو حمایت خود را از برنامه های توسعه اعلام نمودند ، این پژوهشگران بر مشارکت افراد محلی در سیاست گذاری و برنامه ریزی توسعه گردشگری در این منطقه در آینده تاکید نمودند .

در مطالعه منطقه موردی رامسر ، علیپور اشکیلی و کبودی (2012) به این نتیجه دست یافتند که گردشگری بر کیفیت زندگی ساکنین محلی تاثیر بسزایی داشته و به وجود رابطه مستقیم بین عوامل موثر بر کیفیت زندگی جامعه محلی و سطح مشارکت جامعه میزبان ، پی بردند . این محققین نتیجه گرفتند که عوامل اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی از مهمترین معیار ها و مولفه ها مشارکت جامعه میزبان در برنامه های توسعه گردشگری است . این پژوهشگران اظهار داشتند که وجود ارتباط و هماهنگی بین برنامه ریزان و ساکنین محلی امری حیاتی در برخورداری از حمایت جامعه میزبان از برنامه ها توسعه است

نتایج تحقیق علیقلی زاده فیروز جایی و همکاران (1387) در مطالعه موردی شهرستان نوشهر نشان میدهد ماهیت گردشگری ساکنان این شهرستان نسبت به گردشگری بایکدیگر تفاوت معنی دار دارند و میزان حمایت ساکنان تحت تاثیر سطح توسعه گردشگری می باشد.

منطقه مورد مطالعه

اخلمد یکی از زیباترین گردشگاه های طبیعی است که در 85 کیلومتری شمال غربی مشهد و در فاصله 10 کیلومتری گلمکان واقع شده و این منطقه بیلاقی با دره های سرسبز و دلگشا باغ های میوه و آبشار های طبیعی در دامنه کوه بینالود قرار دارد و دارای 1335 متر ارتفاع از سطح دریاست . دور تا دور اخلمد با سنگ های سفید آهکی به صورت کوه دیوار کشی شده و در پشت کوهی که آبشار از آن سرچشمه میگیرد دره ای عمیق شبیه یال اسب وجود دارد در قسمت های پر آب رودخانه دو آبشار به وجود آمده است که هر یک بیش از 18 متر ارتفاع دارد در مدخل دره اخلمد ، بندی وجود دلرد که یادگار عهد تیموری است . وجود باغ های میوه ، آبشار طبیعی ، چشم انداز های زیبا ، هوای مطبوع و آب گوارا و میوه های متنوع دره های سرسبز و محیط با صفا باعث شده است این منطقه مورد توجه مسافران و دوستداران طبیعت قرار گیرد و بدین جهت روستا، در زمره روستاهای کوهستانی گردشگری محسوب می شود.



شکل 1: منطقه نمونه گردشگری اخلمد

تاکنون هیچ پژوهشی در مورد بررسی نگرش ساکنین محلی اثرات توسعه گردشگری در اخلمد صورت نگرفته است و لذا پژوهش حاضر برای پر کردن این خلا صورت می گیرد. بنابراین یافته های آن می تواند به برنامه ریزان و متولیان محلی و منطقه ای گردشگری در اخلمد در کسب حمایت افراد محلی و همچنین نحوه مشارکت آنها در روند برنامه ریزی و مدیریت گردشگری کمک شایانی نماید.

روش تحقیق:

طبق آمارگیری سال 1385، روستای اخلمد دارای 173 خانوار می باشد که جامعه آماری این تحقیق را تشکیل داده است. محققان با مراجعه به منازل اهالی روستا، از آنها می خواستند تا یک نفر به عنوان نماینده خانواده به سوالات پاسخ دهد. به علت پایین بودن سواد اکثر پاسخگویان، پاسخگویی به پرسشنامه نیز بصورت مصاحبه صورت گرفت و توسط محققین انجام می گرفت. در زمان انجام پژوهش برخی خانواده ها در روستا حضور نداشتند و برخی دیگر از خانواده ها به علت مشغله کاری حاضر به همکاری نشدند. در نهایت محققین با مراجعات مکرر به روستا، موفق شدند 147 پرسشنامه را تکمیل کنند. (نرخ پاسخگویی

(/84

پرسشنامه شامل اثرات اقتصادی، اثرات اجتماعی-فرهنگی، اثرات زیست محیطی توریسم و اطلاعات دموگرافیک اجتماعی پاسخگویان می باشد که مجموعاً شامل 31 سوال می باشد که باتوجه به کارهای مرتبط با این مقاله طراحی شده است. سوالات با طیف 5 درجه ای لیکرت سنجیده شده اند.

برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ مقدار این ضریب برای شاخص اثرات اقتصادی 0/67، اثرات اجتماعی-فرهنگی 0/78 و برای اثرات زیست محیطی 0/79 می باشد

یافته ها:

اکثریت پاسخگویان را مردان (61٪) و جوانان (75 درصد زیر 35 سال) تشکیل داده اند. 92 درصد ساکنین متولد اخلمد هستند. 77/6 درصد ساکنین بیش از 21 سال است که در اخلمد ساکن هستند و حدود 20 درصد نیز بین 11 تا 20 سال. 56/2 درصد پاسخگویان را متاهلین و 43/8 درصد را نیز مجردین تشکیل داده اند. 40/2 درصد پاسخگویان فاصله محل زندگیشان را تا محل تمرکز گردشگران «متوسط» دانسته اند و 35/6 درصد نیز این فاصله را «دور» ذکر کرده اند. 64/7 درصد پاسخگویان تحصیلاتی پایین تر از سیکل داشته اند؛ حدود 26 درصد نیز دارای تحصیلات دیپلم بوده اند.

در مورد میزان سهم در تصمیم گیری های مربوط به گردشگری در اخلمد، 42/4 درصد از پاسخگویان سهم خود را «خیلی کم» دانسته اند؛ 25/6 درصد «کم»، 26/5 درصد «متوسط» و درصد کمی نیز زیاد دانسته اند. 38/7 درصد پاسخگویان، در مورد بیشتر بودن منافع گردشگری نسبت به مضرات آن «بی نظر» بوده اند؛ 24/5 درصد منافع گردشگری را بیشتر از مضرات آن دانسته اند و 26/7 درصد نیز مضرات گردشگری را بیشتر دانسته اند. 86/4 درصد پاسخگویان تعلق بالایی به اخلمد دارند و زندگی در آنجا را به زندگی در هر مکان دیگری ترجیح می دهند

در جدول زیر اثرات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفته ست

مقیاس	t	df	Mean	Average value	Mean difference	Sig
اثرات اقتصادی	-17.955	145	13.2	15	-1.8	0.000
اثرات اجتماعی - فرهنگی	-38.524	145	26.7	30	-3.3	0.000
اثرات زیست محیطی	-21.654	145	10.3	15	-4.7	0.000

شاخص اثرات اقتصادی دارای 5 گویه بوده است که میانگین آنها 13/2 (دامنه 5 تا 25) می باشد؛ شاخص اثرات اجتماعی- فرهنگی با 10 گویه دارای میانگین 26/7 (دامنه 10 تا 50) و شاخص اثرات زیست محیطی با 5 گویه دارای میانگین 10/3 (دامنه 5 تا 25) می باشد. با استفاده از آزمون تی مشخص شد که هر سه میانگین به طرز معناداری پایین تر از حد متوسط قرار دارند؛ این یافته نشان می دهد که ساکنین اخلمد دارای ادراک و نگرش منفی نسبت به اثرات اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی گردشگری در منطقه خود هستند. جدول 1 اختلاف میانگین را از مقدار متوسط نشان می دهد.

نتایج تحلیل همبستگی نشان می دهد که بین میزان سهم در تصمیم گیری و ادراک نسبت به گردشگری در طبقه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (مقدار ضریب اسپیرمن 0/38، معناداری 000.0)؛ بدین معنا که هرچه قدر بومیان سهم خود را در تصمیم گیریهای مربوط به گردشگری در طبقه بیشتر بدانند، ادراک آنان نسبت به اثرات گردشگری نیز مثبت تر می گردد. همچنین بین میزان تعلق ساکنین به اخلمد و ادراک آنان نسبت به اثرات گردشگری رابطه منفی و معناداری مشاهده شد (مقدار ضریب اسپیرمن 0/21- و معناداری 000.0)؛ به این معنا که هرچه قدر تعلق ساکنین اخلمد به روستایشان بیشتر باشد، ادراک منفی تری نسبت به اثرات گردشگری در اخلمد پیدا می کنند.

همچنین نتایج نشان می دهد بین تحصیلات پاسخگویان و نگرش آنها نسبت به اثرات توریسم، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (ضریب اسپیرمن 0/15 و معناداری 0/025)؛ به عبارت دیگر هرچه تحصیلات ساکنین بیشتر باشد، ادراک مثبت تری نسبت به اثرات توریسم خواهند داشت. همچنین بین فاصله محل سکونت ساکنین تا منطقه تمرکز گردشگران و ادراک نسبت به اثرات توریسم رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (ضریب اسپیرمن 0/14 و معناداری 0/020)؛ یعنی هرچه فاصله محل سکونت ساکنین از منطقه تمرکز گردشگران دورتر باشد، بومیان ادراک مثبت تری نسبت به اثرات توریسم در منطقه دارند.

نتیجه گیری:

این پژوهش با هدف بررسی نگرش ساکنین روستای توریستی اخلمد نسبت به اثرات توریسم انجام گرفت. در این مطالعه 147 نفر از ساکنین اخلمد که هریک نماینده یک خانوار بودند مورد بررسی قرار گرفتند. اکثریت پاسخگویان را مران و جوانان تشکیل داده بودند.

میانگین نگرش به اثرات گردشگری که شامل اثرات اقتصادی، اثرات اجتماعی- فرهنگی و اثرات زیست محیطی می باشد، در منطقه اخلمد به طرز معناداری پایین تر از حد متوسط بود. این یافته بدین معناست که ساکنین اخلمد، ادراک و نگرشی منفی نسبت به اثرات توریسم در منطقه خود دارند. پایین ترین میانگین مربوط به اثرات زیست محیطی توریسم بود که نشان دهنده نارضایتی بومیان از نحوه برخورد گردشگران با محیط زیست اخلمد است. طبق شاخص رنجش داکسی هر چه در طول زمان تعداد گردشگران افزایش می یابد، خصومت بیشتری در بومی ها نسبت به گردشگران ایجاد می شود و رفته رفته احساس بومی

ها نسبت به گردشگران از حالت رضایت به خصومت تبدیل می شود. یافته های این تحقیق، این تئوری را تایید می کند و نشان می دهد که بومیان احساس مثبتی نسبت به گردشگران و اثرات گردشگری ندارند.

در این مطالعه مشخص شد بومیانی که احساس می کنند سهم اندکی در تصمیم گیری های مربوط به گردشگری دارند، ادراک منفی تر نسبت به اثرات توریسم دارن معنی است که سهم کردن بومیان و مشارکت دادن آنها در تصمیم گیری ها در مورد گردشگری، سهم بسزایی در مثبت شدن نگرش آنها نسبت به اثرات گردشگری و در نتیجه حمایت آنها از توسعه گردشگری در پی خواهد داشت. یافته های این تحقیق نتایج بدست آمده از پژوهش های پیشین را تایید می کند (لپ 2007 ، لی 2012) بنابراین در برنامه ریزی آتی توسعه گردشگری در این منطقه ، الزاما می بایست مردم محلی را در مراحل تصمیم گیری ، برنامه ریزی و همچنین مدیریت گردشگری به صورت فعالانه مشارکت داد .

رابطه منفی و معنادار میزان تعلق به اخلمد و ادراک نسبت با اثرات گردشگری در این مطالعه تایید شد؛ به عبارت دیگر ساکنینی که تعلق بیشتری نسبت به محل زندگی خود داشتند، ادراک منفی تری نسبت به اثرات گردشگری دارند. این یافته نشان می دهد که بومیانی که به منطقه خود تعلق خاطر بیشتری دارند، رشد توریسم را در منطقه خود زیان آور می دانند و آن را برخلاف منافع زیستی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی منطقه خود می دانند.

یافته های فوق نتایج پژوهش اوم و کرامپتون (1987) را تایید می کند. از طرف دیگر نتایج فوق ، در تضاد با یافته های نونکو و رامکیسون (2011) و لی (2012) هست بدان معنا که در پژوهش های مذکور این نتیجه حاصل شد که ساکنینی که از تعلق خاطر بیشتری نسبت به محل زندگی خود برخوردارند ، از برنامه های توسعه گردشگری در منطقه خود حمایت می کنند.

در این مطالعه رابطه مثبت و معناداری بین تحصیلات پاسخگویان و ادراک آنها نسبت به اثرات گردشگری مشاهده شد؛ یعنی بومیانی که دارای تحصیلات بیشتری بوده اند، ادراک مثبت تری نسبت به اثرات گردشگری داشته اند. بومیان تحصیلکرده احتمالا دارای آگاهی بیشتری از منافع توریسم برای روستای خود هستند و به همین خاطر از توسعه آن بیشتر حمایت می کنند. یافته های فوق ، نتایج حاصل از تحقیق آیرس و پاتر (1989) و کرچا (1998) را تایید می کند اما در تضاد یا یافته های آندریتس و ووگان (2003) است بدین معنا که آنها بدین نتیجه دست یافتند که افراد بومی تحصیل کرده بدلیل داشتن آگاهی از گردشگری و اثرات آن ، در مورد محیط زیست و هزینه های اجتماعی گردشگری نگران هستند.

از دیگر یافته های مهم این تحقیق، وجود رابطه مثبت و معنادار بین فاصله محل سکونت بومیان تا محل تمرکز گردشگران و ادراک نسبت به اثرات گردشگری است؛ به عبارت دیگر هرچه فاصله محل سکونت بومیان به منطقه تمرکز گردشگران نزدیک تر باشد، ادراک منفی تری نسبت به اثرات گردشگری دارند. این یافته نشان می دهد، هرچقدر نزدیکی و تعامل بومیان با گردشگران

بیشتر باشد، نسبت به آنها خصومت بیشتری پیدا خواهند کرد و در نتیجه ادراک منفی تری نسبت به اثرات گردشگری خواهند داشت. یافته های فوق، نتایج حاصل از پژوهش استرلینگ (2004) را تایید می کند.

راهکارهای پیشنهادی

با توجه به یافته های تحقیق حاضر و بررسی داده های ثانویه، راهکارهای زیر جهت کمک به تصمیم سازی به برنامه ریزان و متولیان محلی و منطقه ای گردشگری در اخلمد، توسط پژوهشگران پیشنهاد می گردد:

- برگزاری کارگاهها و نشست ها در اخلمد جهت بالا بردن آگاهی مردم محلی از گردشگری، اثرات و پیامد های آن
- کاهش اثرات منفی گردشگری با کنترل تعداد گردشگران ورودی به منطقه (منطقه بندی)
- تدوین و به کارگیری کد های رفتاری و اخلاقی و در دسترس قرار دادن آنها برای گردشگران
- تقویت و اطلاع رسانی منافع بالقوه گردشگری از طریق برگزاری نمایشگاههای محلی، کارگاهها، تبلیغات از طریق رسانه های جمعی، سمینارها و
- اجرای برنامه های آموزشی برای تبیین برنامه ریزی توسعه گردشگری پایدار برای ذی نفعان گردشگری در اخلمد
- تعامل و تقویت همکاری بین ساکنین محلی و افرادی که به نوعی با کسب و کارهای مرتبط با گردشگری در ارتباط هستند
- ایجاد سازمان ها و گروههای مردم نهاد برای تقویت مشارکت جامعه میزبان در اخلمد در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت گردشگری
- تشویق گردشگران برای احترام به فرهنگ و آداب و رسوم محلی مردم اخلمد
- توسعه و تقویت انواع روشهای جایگزین گردشگری مانند طبیعت گردی، پیاده روی، کوه نوردی در منطقه با فراهم نمودن زیر ساخت های مربوطه
- احترام به حساسیت مردم اخلمد نسبت به حفظ و نگهداری منابع طبیعی و محیط زیست
- ایجاد مسیرهای پیاده روی، پارک ها، با نصب علائم مربوط به حفظ آنها

منابع

AligholizadehFirozjaie, N; Badri, Sabokbar;2008; Host Perception of Environmental and Economic Impacts of Tourism in Rural AreasThe Case: Rural Area of Noshahr's Central District, RoostaVaTowsee, AQuarterlyJournaj of Rural Development studies

AlipourEshlikiS &Kaboudi M (2012) . Community Perception of Tourism Impacts and Their Participation in Tourism Planning: A Case Study of Ramsar, Iran. Procedia - Social and Behavioral Sciences 333 – 341

Andriotis, K., & Vaughan, R. D. (2003).Urban residents' attitudes toward tourism development: The case of Crete. *Journal of Travel Research*, 42, 172-185.

Ayres, J.S. and H.R. Potter. 1989. Attitudes toward Community Change: A Comparison between Rural Leaders and Residents. *Journal of the Community Development Society* 20(1):1-18.

Butler, R.W. 1980. The Concept of a Tourist Area Cycle of Evolution: Implications for Management of Resources. *Canadian Geographer* 19(1):5-12

Cooke, K, 1980 , Guidelines for socially Appropriate Tourism Developments in British Columbia , *journal of Travel Research* , 21(1)

Doxey, G.V. 1975. A Causation Theory of VisitorResident Irritants, Methodology, and Research Inferences. Sixth Annual Conference Proceedings of the Travel Research Association: San Diego, CA. 195-198.

Easterling D.S. (2004). The resident's perspectives in tourism research: A review and synthesis . *Journal of travel and tourism marketing* 17(4) , 45-62 .

GhaderiZ &. Henderson J . (2012) . Sustainable rural tourism in Iran: A perspective from HawramanVillage . *Tourism Management Perspectives* 2-3 (2012) 47–54

Gursoy, Christina G. Chi and Pam Dyer(2010) Locals' Attitudes toward Mass and Alternative Tourism: The Case of Sunshine Coast, Australia , *Journal of Travel Research* 2010 49: 381

Hernandez, Sigfredo A., J. Cohen and H. L. Garcia, 1996; Resident Attitudes towards an Instant

Johari ,Myint&Abdul Rani (2011) . *International Journal of Business and Social Science* Vol. 2 No. 1;

Korca, Perver (1998). Resident perceptions of tourism in a resort town. *Leisure Services*, 21, 193-212

Lankford, S. V., & Howard, D. R. (1993).Developing a tourism impact attitude scale. *Annals of Tourism Research*, 21, 121-139.

Lee T (2012) Influence analysis of community resident support for sustainable tourismDevelopment Tourism Management

Lee, B., & Guest, A. (1983). Determinants of neighborhood satisfaction: A metropolitan level analysis.

Lee, C., Kang, S. K., Long, P., &Reisinger, Y. (2010). Residents' perceptions ofcasino impacts: A comparative study. *Tourism Management*, 31, 189–201.

Lepp, A. (2007). Residents' attitudes toward tourism in Bigodi village, Uganda. *Tourism Management*, 28, 877-885.

Nunkoo, R., &Ramkissoon, H. (2011).Developing a community support model for tourism. *Annals of Tourism Research*, Vol.38, No.3, pp. 964-988.

Um, S., and Crompton, J.L. 1987. Measuring Resident's Attachment Levels in a Host Community. *Journal of Travel Research* 26(1):27 -29

Vargas-Sánchez, A., Porrás-Bueno, N., & Plaza-Mejía, M. D. L. Á. (2011). Explaining residents' attitudes to tourism: Is a universal model possible?.*Annals of tourism research*, Vol.38, No.2, pp. 460-480.

Yu, H. and Tian S (2011) , Attitude ScaleMeasuring Residents' Attitudes toward Sustainable Tourism: A Reexamination of the Sustainable Tourism , *Journal of Travel Research* 50: 57

Zamani-Farahani, H., & Musa, G. (2008). Residents' attitudes and perception towards tourism development: A case study of Masooleh, Iran. *Tourism Management*, Vol.29, No.6, pp. 1233-1236.